

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ و حضور احزاب گوناگونی که شاخص‌ترین آن‌ها: جمهوری اسلامی، ملی‌گرا و التقاطی چپ‌گرا مثل: پیکار خلق، حرمتی پور، اشرف دهقان، سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، اتحادیه کمونیست‌های ایران و غیره که به دنبال سهم‌خواهی از نظام بودند. با برگزاری رفراندوم تعیین نوع نظام سیاسی (شاهنشاهی یا جمهوری اسلامی) در فروردین سال ۱۳۵۸، که منجر به پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی با رای مردم گردید. پس از این واقعه، آمریکا و غرب که مهم‌ترین شریک راهبردی و یکی از دو ستون مهم پشتیبان منطقه‌ای از منافع ملی جهانی خود در غرب آسیا را از دست داد و از فعل و انفعالات سپهر سیاسی ایران، به‌خصوص بعد از واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تسخیر سفارت خانه خود در تهران که در ادبیات سیاسی مردمی به لانه جاسوسی شهرت دارد حذف گردید. در پی این حادثه، دولت موقت با رویکرد ملی‌گرایانه و مخالف عدم رودررویی مستقیم با غرب که چپ‌گرایان به علت این استراتژی آن‌ها مخالف آنان بودند، استعفا خود را اعلام نمود و بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد؛ که موردتایید و حمایت حزب فدائیان خلق (منافقین) و چپ‌گرایان بود. ولی به دلیل برخی از رویکردهای او و طرفدارانش در خصوص نیروهای شاخص خط امام و حزب جمهوری اسلامی، نحوه مدیریت در جنگ و موضع‌گیری‌هایی که داشت؛ توسط مجلس شورای اسلامی در خردادماه سال ۱۳۶۰ عزل شد. پس از این واقعه بود که اتحادیه کمونیست‌های ایران و منافقین اعلام به شروع اتخاذ مبارزه‌ی مسلحانه با شعارهای اعلامی مقابله با انحراف و آگاه‌سازی مردم و دعوت به قیام علیه نظام به‌عنوان «جبه سوم» همزمان با میادین دفاع مقدس و اختلافات و فتنه‌انگیزی‌های داخلی استقلال طلبانه برخی مناطق نمودند. آن‌ها با این رویکرد، منطقه شمال ایران و شهر آمل را برای شروع و اعلام قیام مسلحانه به زعم همراهی و پشتیبانی مردم دهقان این مناطق، نزدیکی با پایتخت و جذب کمک همسایه شمالی (شوروی سابق) و از همه مهم‌تر، استعداد عامل ژئوپلیتیک منطقه و وجود دره‌هایی با شیب تند که از جنگل‌های انبوه و رودخانه پر آب هراز به‌عنوان دژی محکم جهت استتار و مقابله با نیروهای نظامی استفاده کنند، انتخاب کردند. با این توصیف، در این مجلد در پی آن هستیم که به واکاوی علل انتخاب آمل برای قیام مسلحانه دقیقاً بعد از کلان حوادث روی داده در سال اول دهه شصت پرداخته و به نقش اقشار مردمی و علل مقابله، در کنار ابعاد مواجهه نهادها و مردم با توجه به پیشینه‌ی فرهنگی-عقیدتی به شیوه طرح پژوهش توصیفی-تبیینی با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اینترنتی پرداخته‌ایم. همچنین با هدف خارج‌سازی غائله جنگل و حادثه ۶ بهمن آمل از مهجوریت و فراموشی تاریخی از دل کلان رویدادهای آن زمان، رهاوردی مبسوط جهت بهره‌گیری سایر پژوهندگان فراهم سازیم.

1. پیشینه پژوهش

سمیه بدخشان فرح آبادی (۱۳۹۴) کتاب تاریخ شفاهی «قنات تا قنوت» را به روایت قدرت الله سورکی آزاد از فرماندهان جبهه‌ی مقابله با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال تدوین نمود که نشر سرو سرخ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به سفارش اداره کل حفظ ارزش‌ها و نشر آثار مازندران به چاپ رسید. این اثر در ۳۶۹ صفحه و دوازده فصل به شیوه تاریخ نگاری شفاهی، به موضوعات عمده‌ی

سال‌های پیش از مبارزات انقلاب، وقایع حین و تثبیت انقلاب، شروع جنگ و تحرک گروهک‌های ضد انقلاب و نقش استان مازندران در این حوادث با معرفی فرماندهان و شهدای شاخص پرداخت. تاکید اصلی نویسنده به نقش مردمی برای دفاع از ارزش‌های اسلامی ایران در این اثر، و بخش‌هایی به علت انتخاب شمال؛ جهت ضربه به نظام نویا پرداخته است که بیان داشت: گروهک‌ها به این دلیل شمال ایران را به عنوان کانون جبهه سوم حمله مسلحانه برگزیدند تا همانند الگوهای چپ گرا در لائوس و کوبا، با ایجاد پایگاه‌هایی در جنگل جهت بهره از استتار طبیعی، در میان مردم عضوگیری کنند و با ایجاد تشکیلات بین توده‌های بومی با هدف عدم شناسایی به نظام ضربه بزنند و چنین جلوه دهند که نظام پایگاه مردمی خود را از دست داده است. سید محمد هاشمی (۱۳۹۰) به تحقیق و جمع آوری علی اصغر محمدعلی در کتاب «شمشادهای رشید» یادنامه شهدای ششم بهمن آمل که در نشر شاهد به حمایت سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهشی و ارتباطات فرهنگی و با همکاری و سفارش اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان مازندران به چاپ رسید. نویسنده در این اثر ۳۱۵ صفحه‌ای به شرح کوتاهی از تاریخچه شکل‌گیری جریان‌های چپگرا و اتحادیه کمونیست‌های ایران از قبل از انقلاب، و رویکرد کلی آنان در بعد از انقلاب پرداخت. همچنین وقایع جنگل آمل و معرفی شهدای این حادثه به شیوه‌ی ادبی داستانی، شعر، خاطره، زندگی‌نامه و متون ادبی آنان پرداخت. احمد وسکره (۱۳۹۴) در کتاب «روایت شمشادها» مجموعه خاطرات فرماندهان و رزمندگان جبهه‌ی مقابله با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال که در نشر سرو سرخ به چاپ رسید. نویسنده در این اثر سعی نمود واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل و حوادث رخ داده در مقابله با گروهک اتحادیه کمونیست‌های ایران با قیامی تحت عنوان سربداران را، براساس تجارب و خاطرات میدانی سی وهفت تن از رزمندگان، بسیجیان و فرماندهان حاضر در این واقعه در ۲۱۲ صفحه برای ثبت در تاریخ به رشته تحریر درآورد.

واضح است که کتب، مقالات و آثار زیادی درباره‌ی این واقعه وجود دارد؛ اما در این اثر تلاش کرده‌ایم که با نگاهی جامع و کلی در یک اثر مبسوط، رویکرد و دلیل اتحادیه کمونیست‌های ایران برای انتخاب شمال و آمل بعد از کلان حوادث روی داده در سال اول دهه شصت و نقش اقشار مردمی و نهادهای انقلابی در پایان زیست سیاسی و اجتماعی آنان پرداخته و با طرح پژوهش تبیینی-توصیفی و روش تحقیق کتابخانه‌ای و اینترنتی، رهاوردی تازه برای بهره‌مندی دیگر پژوهندگان فراهم سازیم.

2. معرفی اتحادیه کمونیست ایران

رویش‌های ابتدایی پدید آمدن گرایشات و تفکرات سوسیالیستی و چپگرا در ایران، به دوره مظفیری، قاجاریه و به خصوص نهضت مشروطه‌خواهی باز می‌گردد. البته بنیان آبخوری فکری آنان به حزب کمونیست شوروی سابق و چین می‌رسد که در ردای حزب توده ایران در میان فوج روشنفکران و دانشگاہیان کشور از دهه ۱۳۲۰ بدین سو تجلی یافت. سمبل این جریان، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که از تجمیع و درهم آمیختگی سازمان انقلابیون کمونیست و گروهی موسوم به پویا تشکیل شد؛ که میان دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و اروپا به خصوص کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای غربی نفوذ شگرفی داشت (ایسنا، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷). بسیاری از اعضای نخستین اتحادیه، از خانواده‌های کارمندان و مدیران مملکت ملی نفت

خوزستان بودند که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، در پی وقوع شوک نفتی و بالا رفتن قیمت نفت خام و متعاقب آن افزایش درآمدهای نفتی شاه، فرزندان این کارکنان و مدیران با استفاده از فرصت افزایش درآمد دلاری ناشی از فروش نفت؛ توسط دولت محمدرضا شاه پهلوی با اعطای بورس تحصیلی به خارج از کشور، به خصوص دانشگاه‌های غربی و آمریکا به ویژه برکلی اعزام شدند. اما برخلاف پیش‌بینی‌های رژیم شاه، بسیاری از دانشجویان اعزامی تحت تاثیر افکار مارکسیستی قرار گرفتند و به تدریج در جریان‌های مارکسیستی استحاله پیدا کردند. این عامل خود منجر به شکل‌گیری تشکیلاتی موسوم به «کنفدراسیون» گردید که علیه رژیم سابق شروع به فعالیت سیاسی و سپس مسلحانه کردند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۰۵). گروهک فوق (اتحادیه کمونیست‌های ایران) در تابستان سال ۱۳۵۵ و به پشتوانه سه گروهک دیگر (سازمان‌هایی ملقب به انقلابیون کمونیست، گروهک پویا و گروه زحمت) (خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) که هر سه آن‌ها در خارج از ایران پا گرفتند و پیرو همان محفل دانشجویی در خارج از کشور که دارای عقاید الحادی مارکسیستی بودند، و سازمان انقلابیون کمونیست را در سال ۱۳۴۸ شکل دادند تشکیل شد. در واقع از حلقه‌های ابتدایی تولد اتحادیه کمونیست‌های ایران، تنی چند از باقیماندگان گروهک پویا و بازماندگان «گروه فلسطین» بودند که به علت شرایط اختناق‌آمیز دوران طاغوت به خارج از کشور گریخته و در برخی از کشورهای همسایه از جمله عراق و لبنان آموزش‌های چریکی و پارتیزانی دیدند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بی‌تا: ۱). مارکسیست‌های اتحادیه کمونیست‌های ایران در شکاف میان دو جبهه جهانی کمونیست چین و شوروی، به اندیشه‌های مائو و تزسه جهان او گرایش داشتند (ایسنا، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷) و هدف خود را برای آزادی طبقه پرولتاریا و کارگر زحمتکش می‌دانستند. از این رو نقطه توجه خود را علیه مبارزه با پهلوی به عنوان عامل غرب و امپریالیسم، که ملت ستم کشیده ایران را به انقیاد خود درآورده معطوف کردند. به همین خاطر با اندیشه‌های ضد امپریالیستی و آزادی‌خواهانه و استقلال طلبانه امام خمینی رحمت الله که با برخی از مواضع‌شان همپوشانی داشت در ابتدا همراهی کردند. آنان نظام جدید را متشکل از گروه‌های متفاوتی می‌دانستند که نمی‌توان در مقابل همه آن‌ها مثنی یکسانی داشت. بعد از پیروزی نیز، اعضای اتحادیه به ایران مراجعت کردند و با سوءاستفاده از فضای باز سیاسی اجتماعی بی‌ضابطه‌ای که فراهم شده بود، به دنبال سهم خواهی از قدرت بودند و مدعایی را پیوسته اعلام می‌داشتند که نقش اساسی را در سرنگونی پهلوی عهده‌دار بودند. از این رو مواضع اتحادیه نسبت به انقلاب و امور سیاسی کشور، دو و چندگانه بود مانند: نظام برآمده از انقلاب و صندوق‌های رای مردمی را ارتجاعی می‌دانستند، اما از تسخیر لانه جاسوسی (سفارتخانه آمریکا) حمایت می‌کردند ولی از سیاست‌های اعلامی و اجرایی انقلاب به خصوص سیاست‌های فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها به په شدت مخالفت می‌کردند یا طرفدار خودمختاری و شکل‌گیری کردستان مستقل و آزاد بودند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱، شماره: ۱۶۹۲۹). به همین خاطر با توجه به مواضع و اعمال گروه‌های چپگرا، که خود را نماینده قشر کارگر و طبقه زحمتکش پرولتاریا می‌دانستند و اعلام می‌داشتند که می‌خواهند حق این ملت ستم کشیده را از زورمندان بستانند، اما امام خمینی رحمت الله آن‌ها را کمونیست‌های آمریکایی می‌دانستند. چون این احزاب علی‌رغم اینکه در ظاهر اعتقاد به اصول و مبانی کمونیسم داشتند ولی در موضع‌گیری‌ها و عملکرد خویش در راستای تکمیل سیاست‌ها و پازل غرب حرکت می‌کردند «این‌ها

کمونیست نیستند. این‌ها طرفدار سرمایه‌دارها و طرفدار قلدرها هستند، و می‌خواهند ما محتاج باشیم (امام خمینی رحمت الله، 1385، 21-23). در کشاکش سهم خواهی و فعالیت‌ها، بعد از استعفای دولت بازرگان در آبان سال ۱۳۵۸ پس از تسخیر سفارتخانه آمریکا و متعاقب آن پیروزی ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور، اعضای اتحادیه کمونیست ایران به خیل طرفداران او پیوستند. اما به دلیل رویکرد بنی‌صدر در قبال نیروهای شاخص و جریانات مهم انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، در خرداد سال ۱۳۶۰ توسط مجلس شورای اسلامی عزل شد و حکم برکناری او از سوی امام مورد تایید قرار گرفت؛ اتحادیه کمونیست‌های ایران متشکل از مارکسیست‌لنینیست‌های کنفدراسیون سابق به پیروی اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، به طرفداری از بنی‌صدر با اهداف اعلامی: نجات انقلاب از مسیر انحرافی و تکامل انقلاب از طریق انقلاب دوم (خانی، 1392: 148-149) با عصب عنوان «سربداران» و به علت مشی و رویکردی که از انقلاب چین و مائو اخذ کرده بودند، که با یک حرکت دهقانی و کارگری از دل روستا بود، شمال ایران را به دلیل نزدیکی با پایتخت، وجود قشر دهقان و جذب کمک از همسایه شمالی (شوروی) در کنار استفاده از موانع فیزیکی طبیعی جهت قیام فوری علیه نظام نوپای انقلابی، با ایجاد جبهه سوم و راه‌اندازی موتور قیام با لوی مردمی (شعبانی، 1394: 205) انتخاب کردند. این گروه‌های فعال در جنگل‌های شمال از شرق به غرب شامل: ۱. حزب رنجبران در گرگان با ایدئولوژی مائوئیستی به استعداد ۲۰ نفر و استقرار در توسکستان، ۲. مجاهدین خلق (منافقین) با ایدئولوژی به ظاهر اسلامی مستقر در بخش مرکزی مازندران ولی در غرب مازندران و شرق و غرب گیلان به خصوص رودسر و رامسر دارای پایگاه، مقر و فعالیت گسترده بودند، ۳. ارتش آزادی‌بخش خلق‌های ایران مستقر در مرکز استان مازندران و دارای ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و پیرو مشی و روش چگوارا در مبارزه بودند، ۴. گروه «اتحاد چپ» با ایدئولوژی مارکسیستی به استعداد ۲۰ نفر و مستقر در غرب گیلان، ۵. در نهایت گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران با ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و رویکرد مائوئیستی به استعداد ۳۰۰ نفر در بخش مرکزی مازندران به خصوص جنگل‌های آمل مستقر شدند (صادقی سنگدهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳). با توجه به گستردگی و تفاوت استراتژی گروه‌ها علی‌رغم قرابت تاکتیکی، در این مجلد فقط به اقدامات گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران خواهیم پرداخت.

3. فضای سیاسی اجتماعی سال ۱۳۶۰

از زمان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مردمی اسلامی ایران، همواره تاریخ آن از میانه کارزارهای بس خطرناک گذر کرده است، و صفحات آن مشحون از پیچ‌ها و حوادثی است که روایتگر بزنگاه‌های حساس این رشد تاریخی است. دشمنان این کهن دیار، در هر بار هجوم خود به این نقطه از گیتی به علت ارزش‌مندی جغرافیایی و منابع خدادادی، لطمات و آسیب‌هایی را بدان وارد ساختند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز شاهد این تلاش‌ها در قالب کودتای نوژه، دمیدن برکوس جدایی طلبی‌ها و غیره بودیم. با تسخیر سفارتخانه آمریکا در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ و متعاقب آن استعفای دولت ملی‌گرای موقت بازرگان، سیر تحولات روند رو به تزایدی را دنبال نمود. بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد که حمایت منافقین (سازمان مجاهدین خلق) و پس‌از آن برخی از چپگرایان از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران را به همراه داشت. اندکی بعد از شروع

ریاست جمهوری بنی صدر به دلیل رویکردهای وی از جمله: تخلفات قانونی، عدم صلاحیت‌های اخلاقی و تقوایی، جدایی از خط امام و مردم، داشتن گرایش‌های فکری و عملی حمایت از چپ‌گرایان و معارضان، نداشتن بینش سیاسی صحیح در اداره امور کشور (پیام انقلاب، ۱۳۶۰، شماره ۲۰: صفحه ۱۸) و اختلاف با فرماندهان نظامی در اداره امور جنگ و عدم توانایی وی بر فرماندهی کل قوا؛ از سوی مجلس شورای اسلامی عدم کفایت سیاسی وی در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ با ۱۷۷ رای موافق و یک رای مخالف و ۱۷ رای ممتنع طرح و عزل شد (پورتال امام خمینی، ۱۳۹۱ کد خبر: ۳۰۴۵۶). از این‌رو سال ۱۳۶۰ را می‌توان بحرانی‌ترین سال انقلاب و هجوم همه‌جانبه و یکپارچه التقاطی‌های چپ و اجماع علیه انقلاب با توجه به تضادهای ایدئولوژیکی و شباهت‌های تاکتیکی دانست. هرچند پیش از این موارد، در سخنرانی معروف ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ بنی صدر در کسوت ریاست جمهور، در دانشگاه تهران به مناسبت بزرگداشت مصدق؛ موجی از درگیری و زدوخوردهای خونین بین نیروهای انقلاب و گروه‌های سیاسی معارض یا معاند با انقلاب را به همراه داشت و موضع گروه‌های ضد انقلاب با صف‌آرایی در برابر جریان خط امام، قاطبه مردم حزب الله، مشی فکری عملی بنی صدر کاملاً آشکار شده بود (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۰۹). اگرچه تا قبل از خرداد ۱۳۶۰ در داخل کشور، شاهد توطئه‌های گوناگونی از جمله ترور و بمب‌گذاری‌های کور و هدفمند، قائله جدایی طلب کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و غیره بودیم، اما بعد از خرداد ۱۳۶۰ تحریک‌های مسلحانه علنی‌تر شد و بر شدت آن افزوده گردید. از مهم‌ترین حرکت‌ها، ترور نافرجام آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابودر در ۶ تیر ۱۳۶۰، شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از اعضای حزب جمهوری در محل دفتر حزب و حادثه بمب‌گذاری دفتر نخست‌وزیری که تابستان داغی را از سوی چپ‌گرایان با رفتارهای دمنشانه برای انقلاب اسلامی به همراه آوردند (پورغلامی، ۱۳۹۳: ۱). به دیگر معنی، عزل بنی صدر سبب نومیدی جریان ضد انقلاب و آغازی بر اقدامات مسلحانه همه جانبه و وسیع علیه نظام و مردم گردید. در این راستا بنی صدر که به کمک مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در محلی پنهان شده بود، در ۳۱ خرداد پیامی ارسال کرد مبنی بر: «برادران من، همسنگران! در سنگرهای خود بمانید. سنگرهای دشمن را تصرف کنید، هر آینده‌ای بدین کار وابسته است.» (خانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). اندکی بعد نیز در نامه‌ای خطاب به رجوی دستور تشکیل «شورای ملی مقاومت» و متحد شدن تمامی گروه‌های آزادی طلب و مترقی را داد. یکی از گروه‌هایی که در کنار سایرین به این فرمان پیوست، و رویای براندازی نظام نوپای ایران را با طرفداری از بنی صدر و هوادارانش دنبال نمود اتحادیه کمونیست‌های ایران بود. همانطور که پیش‌تر ذکر کردید علی‌رغم همراهی ابتدایی آنها با امام و انقلاب به خصوص بعد از تسخیر لانه جاسوسی، اما پس از عزل بنی صدر گروه‌های چپ به همراه اتحادیه کمونیست‌های ایران در چرخشی آشکار و نمایان ساختن نفاق و زاویه خود با بعد اسلامی انقلاب، و تاکید بر آموزه‌های اومانیستی و تئوریک روشنگرانه خود، جمهوری اسلامی به شکل تام و نهادهای ارگان‌های وابسته آن را به طور خاص ارتجاعی و ضد خلقی دانستند (هاشمی و محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵). از این‌رو رسالت خود را قیام مسلحانه فوری توده‌ای با هدف مقابله با انحراف و آگاه‌سازی مردم برای دعوت به قیام و نجات کشور اعلام داشتند. آنان معتقد بودند با شروع فعالیت گسترده توده‌ای به شکل مسلحانه البته نه به شیوه ترورهای فردی که سایرین انجام می‌دادند جبهه سومی را برای درگیری با نظام نوپای انقلابی در کنار دو جبهه دیگر یعنی: جنگ تحمیلی که اکثر نیروهای انقلابی مانند سپاه،

بسیج و ارتش را مشغول کرده بود، در کنار جبهه دوم و فتنه انگیزی‌های جدایی‌طلب و استقلال طلبانه‌ای چون: کردستان به شکل خاص، آذربایجان، ترکمن صحرا و غیره ضربه نهایی را وارد سازند. تاجمیر ریاحی از فرماندهان و تئوریسین‌های اصلی الگوی جبهه سوم در این باره اشاره داشت: «ما می‌توانیم با ایجاد یک جبهه دیگر، که رژیم از جنگیدن در آن عاجز باشد آخرین ضربه را بزنیم و آن جبهه جنگل‌های شمال است.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۲). در ابتدا صحنه عملیاتی خود را علی‌رغم مرام کمونیستی متأثر از مائو شهر تهران برگزیده بودند، اما به دلیل تعداد به‌شدت کم نیروها برای مبارزات چریکی در شهری مانند تهران و عملیات‌های تامینی نیروهای نظامی برای رصد و کشف افرادی با رفتارهای مشکوک (کردی، ۱۳۸۶: ۱۱۳) و مضافاً تدبیر امام خمینی رحمت الله در خصوص تشکیل لشکر ۳۶ میلیونی جامعه اطلاعاتی و همکاری مردم (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۱۱) برای مقابله با رویکرد اعلامی «جبهه سوم» اتحادیه کمونیست‌های ایران، جهت ضربه به انقلاب و ناامن‌سازی فضای اجتماعی برای آماده‌سازی یک قیام مسلحانه توده‌ای و تصرف شهر به شهر برای سرنگونی حکومت مرکزی، رهبران‌شان تصمیم به ترک تهران و انتقال میدان مبارزه و یارگیری بر اساس آموزه‌های کاذب کمونیستی از میان توده‌های مردمی گرفتند. هرچند که تصمیم به اجرای قانون «مالک و مستاجر» از سوی کمیته انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه مالکان موظف به افشای اعلام هویت مستاجران خود به نزدیک‌ترین نهاد انتظامی هستند، هویت بسیاری از خانه‌های تیمی را فاش کرد و نیروهای شبه‌نظامی نیز مجبور به ترک تهران شدند (ایسنا، ۱۳۹۹ کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷). این استراتژی انتقال میدان مبارزه، متفاوت از نگاه منافقین که معتقد به شیوه جنگ و گریز خیابانی و متعاقب آن مجبور به گریز به مناطق دور بودند، اما کوچ اتحادیه کمونیست‌های ایران به سوی جنگل‌های شمال ایران و به‌خصوص انتخاب شهر آمل به‌عنوان شروعی بر ایجاد «اولین جرقه در هیزم خشک» (صادقی سنگدهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵) در کنار همه محدودیت‌ها در نفرات، اقدامات تامینی و اجرای طرح‌هایی چون مالک و مستاجر، به مشی کمونیستی متأثر از مائیسیم چین، یعنی استقرار در یک نقطه امن برای آزادسازی روستاها با یک حرکت توده‌ای دهقانی و نظریات و مبارزات رهبران کمونیست آمریکای لاتین (چگوارا و کاسترو) مبنی بر جنگ و گریز در عین ضربه به حکومت مرکزی برمی‌گردد (رهگذر، ۱۳۹۰: ۲۱-۱۴۰-۱۴۱). لذا با انتخاب شهر آمل به دلیل موقعیت‌های استراتژیکی دفاع طبیعی نزدیکی به پایتخت و شوروی، در کنار وجود انبوهی از مردم دهقان و بهره از ظرفیت جنگل آن را انتخاب کردند و مستقر شدند.

4. موقعیت و اهمیت جغرافیایی سیاسی آمل

چنانچه پیشتر اشاره داشتیم، بعد از عزل بنی‌صدر و نومیدی چپگرایان با توجه به انزجار از ماهیت اسلامی انقلاب ایران به علت اعتقادات مارکسیستی متأثر از مائو در چین و قیام و مبارزه مسلحانه توده‌ای دهقانی، در کنار ناکامی فعالیت‌های مسلحانه چریکی در تهران به علت اقدامات تامینی، تعداد اندک نیروها و اجرای قانون مالک و مستاجر از سوی کمیته انقلاب اسلامی؛ اتحادیه کمونیست‌های ایران را بر آن داشت که تغییر و انتقال موقعیت مکانی میدان مبارزه را دنبال کنند. فلذا اتحادیه با توجه بدین شرایط و پشتوانه فکری عملی به کمونیست مائوئیسیم چین، شمال ایران را «خط استالینگراد» نامید، و با عملیات‌های چریکی در دو استان شمالی گیلان و مازندران (بنا بر تقسیمات

جغرافیایی سال ۱۳۶۰) و به شکل خاص شهر آمل، انگاره قیام سراسری توده‌ای دهقانی علیه نظام اسلامی نوپا را دنبال کردند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۶). شمال ایران از جنوب به وسیله سلسله جبال البرز و از شمال به وسیله دریای کاسپین، در ناحیه میان بند با جنگل‌های انبوه و رودخانه‌های پرآب که محل حضور گالش سرها و چوپان منزل‌ها می‌باشد، در کنار جلگه وسیع دشت در ناحیه میانی به یک محیطی ایده‌آل همواره در طول تاریخ به صورت یک سنگرگاه طبیعی و غیرقابل نفوذ مطرح بود. لذا این توانمندی‌های جغرافیایی و محیطی جهت حضور گروهک‌ها، مورد شناسایی قرار گرفت. از این رو اتحادیه کمونیست‌های ایران با شناسایی این توانمندی‌ها و با توجه به آموزه‌های کمونیستی مائو و رهبران آمریکای لاتین، به تقلید از مائو که با آغاز یک جنگ چریکی و قرارگیری در محیطی امن و تجهیز توده‌های دهقان، انقلاب چین را به ثمر رساند آنان نیز در میان حضور گسترده خود در شمال، مهمترین اقدام را در سیاهکل و به خصوص آمل انجام دادند. فلذا بنابر آموزه‌های مائو به دنبال انجام عملیات چریکی و محاصره شهرها و مناطق غیرشهری از طریق روستا به وسیله حرکت دهقانی، و نزدیکی آمل به پایتخت و متصل کننده بودن شرق و غرب شمال ایران با این ارزیابی پس از ناکامی در شهرهای بزرگ، جنگل‌های آمل را برای عملیات چریکی و استقرار مناسب یافتند. لذا با این محاسبات گمان می‌کردند که با حمله و تصرف آمل پس از قطع خطوط ارتباطی و حضور اندک و پراکنده نیروهای انقلاب سریعاً می‌توانند بر آن مسلط شوند و با تشکیل یک سلسله زنجیر اتحاد گونه از سوی ملت دهقان منطقه، کل ایران را بسیج کرده و حکومت را ساقط کنند (نوپرداز، ۱۳۸۳: ۱۹). همچنین، در دل جنگل تقریباً هیچ نیروی نظامی، اطلاعاتی و امنیتی وجود نداشت، وجود گالش منزل‌ها برای استقرار و آب و غذا و میوه‌های جنگلی مشکلات تامین خوراک و سرپناه اسکان موقت به علت وجود خانه‌های ییلاقی و عدم پیگیری اجرای قانون مالک و مستاجر برای برخورد و کنترل، و مشغول بودن عمده تمرکز در دو جبهه دیگر کردستان و دفاع مقدس نیروهای اتحادیه را بیشتر به سوی شمال و مرکزیت قرار دادن فرماندهی در آمل ترغیب کرد (خانی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۹). از این رو به لحاظ تاکتیکی و راهبردی، نهایت بهره را از جنگل جهت استتار و تامین اهداف و نیازهای زیستی گرفتند. از دیگر دلایل انتخاب آمل به عنوان مرکزیت کنش و حضور اتحادیه کمونیست می‌توان به: ۱- وجود درختان تنومند و بلند با شاخ‌وبرگ‌های فراوان و الوان مختلف. ۲- وجود راه‌های مال رو و توپوگرافی کوهستانی (دره‌ها و تپه‌های شبیه به هم که شناسایی را مشکل می‌ساخت). ۳- مرسوم بودن آم‌دورفت افراد غیر بومی به علت وجود رانندگان و کارگران معدن در کنار جاده بین‌المللی هراز. ۴- تامین آذوقه و خوراک از طریق قریه‌های همجوار. ۵- وجود شریان ارتباطی مهم هراز و نزدیکی به پایتخت. ۶- فراهم بودن میدان مانور جنگ و گریز به علت موقعیت جغرافیایی آمل و داشتن عمق زیاد راهبردی از ساحل تا کوهستان (هاشمی و محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۷). ۷- به علت نداشتن رسانه (رادیو)، اتحادیه می‌توانست با حضور در جنگل‌های آمل که مشرف به جاده هراز بود، با اقداماتی مثل بستن مقطعی جاده و یا ایجاد راهبندان و پخش اطلاعیه ظهور و بروز خود را اعلام کند. ۸- اجیر کردن و تهدید نوامیس نیروهای بومی جهت کسب اطلاعات و کمک‌های محلی (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۳۹-۲۵۰). اتحادیه با این جمع‌بندی، باور به عدم شکست و مصونیت به وسیله جنگل را در ذهن خود نهادینه کرده بود در یک اقدام فوری برنامه «جرقه زدن قیام» از آمل و شمال (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بی‌تا: ۳) با هدف ضربه به نظام را اجرا نمود. پس استقرار

چپگرایان به‌ویژه اتحادیه کمونیست‌های ایران بدون مطالعه میدانی و بررسی علمی نبود، بلکه با توجه به نکات فوق‌الذکر و اهمیت‌های: جغرافیایی، نظامی، شریانی و تاریخی فرهنگی در کنار استعدادهای محیط طبیعی انجام عملیات تهاجمی (آفندی) و دفاعی (پدافندی) (شعبانی، ۱۳۹۴: ۴۴) را توانمند داشت. آنان اولین اقدام خود را در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۰ از ناحیه امامزاده عبدالله آمل اجرا کردند (نوپرداز، ۱۳۸۳: ۵۲) که با شکست و ترک جنگل از سوی تعدادی از شورشیان منجر شد.

5. حضور و دفاع اقشار مردمی در کنار نهادهای انقلابی

اتحادیه کمونیست‌های ایران به‌عنوان نیروهای ضد نظام «جبهه سوم»، با توجه به عزل بنی‌صدر و موفقیت‌های عملیات‌های گوناگون میدانی نیروهای ایران در جبهه‌های جنگ و بیم از انجام عملیات‌های بعدی در کنار رسیدن فصل سرما و از بین رفتن استتار جنگل، برودت هوا و افزایش میزان نزولات آسمانی، مشکلاتی در تامین مایحتاج عمومی (خوراک)، اختلافات داخلی رهبران، افت روحیه اعضا و قرار داشتن در محاصره (نوپرداز، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۷) جنگ روانی علیه اتحادیه، استقرار نیروهای انقلابی بر ارتفاعات کلیدی و کنترل جاده‌های جنگلی و نگرانی از حملات غافل‌گیرانه (هاشمی و محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۹). همگی منجر شد برخلاف زمان از پیش تعیین شده، برنامه عملیات را جلو انداخته و از فروردین ۱۳۶۱ به ۶ بهمن ۱۳۶۰ تغییر دهند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ۸۲۹۵) و با انگاره‌های خیالی آموزه کمونیست متأثر از مائو گمان می‌کردند، این اقدام تعجیلی در اعلام قیام فوری با همراهی مردم آمل و سپس توده دهقان شمال و تشکیل یک سلسله زنجیر، کل کشور را فرا گیرد که نشان از محاسبات غلط آنان و تحلیل ضعیف مبتنی بر نگاه مادی‌گرایانه اتحادیه کمونیست و ارتزاق از شالوده‌های اومانیستی دارد. همانند وعده‌ای که در قرآن کریم درباره قوم یهود در سوره حشر آمده است: «از جایی که خیال نمی‌کردند، خدای متعال به این‌ها ضربه را وارد کرد» (حشر، آیه ۲) که نشان از غلط شدن محاسبات دشمن در برابر جبهه حق به‌عنوان وعده الهی دارد. بنابر همین اشتباه محاسباتی اتحادیه کمونیست، اعضای اتحادیه در روز پنجم بهمن از مسیر هزار قصد عزیمت و حمله به آمل را جهت تسخیر سه نهاد مهم بسیج، فرمانداری و سپاه کردند. برای رعایت اصل غافلگیری و فریب نیروهای امنیتی و بسیج مردمی، با اجرای طرح و استراتژی پوشانیدن لباس نظامی بر نیروهای خود، سعی در نفوذ راحت و سریع به شهر و مراکز حساس و جلب همکاری مردم را نمودند که این شیوه مبارزاتی مطابق با ترفندهای چریک‌های یونان و رم باستان موسوم به طرح عملیات «اسب تروا» (خسروشاهی، ۱۳۹۸: ۶۹) می‌باشد. همین اشتباه دستگاه محاسباتی دشمن بناب بر آموزه‌های کمونیستی مائو و شروع قیام دهقانی از روستاها و مناطق غیرشهری برای سرنگونی رژیم، در کنار فشارهای وارده محیطی ذکر شده، اقدام تعجیلی برای اعلام قیام فوری دهقانی اتحادیه کمونیست‌های ایران علیه نظام به واکنش فوری مردمی در تقابل با آنان مبدل شد. خود سنت الهی را یادآوری می‌کند: «آنان مکر کردند و خدا هم مکر کرد و خداوند بهترین مکرکنندگان است.» (آل عمران، ۵۴). البته اولین درگیری ناکام آنها در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ جهت برنامه و سیاست دکترین اعلام موجودیت نیز در چهارچوب همان اشتباه دستگاه محاسباتی منجر به یک شوک آماده‌باش به نیروهای انقلابی، بسیج مردمی و طوفان فکری میان مردم انقلابی و مومن آمل و شمال گردید. زین پس نوعی صف‌بندی و افزایش هوشیاری مردم و مشارکت آنان در تامین امنیت و گشت‌های

اطلاعاتی و عملیاتی را در کنار نیروهای نظامی (سپاه، بسیج، کمیته انقلاب اسلامی و ژاندارمری) به همراه داشت. درواقع اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران با توجه به اوضاع و نوپا بودن انقلاب و عدم شکل‌گیری یا شکل‌گیری ناقص ارکان‌های نظامی، امنیتی و نظارتی و وجود دو نقطه بحران فرسای دیگر (دفاع مقدس و کردستان) و باور به عدم همراهی مردم با نظام به علت وجود اقتناق خیالی در نزد دستگاه ادراکی‌شان، همگی از سطحی بودن تحلیل آن‌ها مبتنی بر نگاه ماتریالیستی بی‌دینی سرچشمه می‌گیرد. در کنار عدم توجه به سابقه دینی، عقیدتی و ایدئولوژیکی مردم شمال و به‌خصوص شهر آمل به‌عنوان «پایتخت اولین حکومت شیعی جهان» به رهبری حسن بن زید (داعی کبیر) از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) در سال ۲۵۰ هجری (دانشنامه جهان اسلام، www.rch.ac.ir) و مامن گاهی امن برای بزرگان دین اسلام (سادات شیعی) آنان را به مسلخ و ورطه نابودی توسط یک واکنش تقابلی کاملاً مردمی کشاند. همین مهم بود که امام خمینی (ره) فرمودند: «من از شهرستان آمل و مردم فداکار آن تشکر می‌کنم. دیدید مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند.» (پایگاه خبری تحلیلی شلمچه، ۱۳۹۸: www.raheshalamche.com). - مجموعه نیروهای نظامی امنیتی که در آن برهه از زمان با توجه به درگیری در جبهه‌های دیگر و مشکلات در نفرات و تجهیزات، با همکاری و همراهی مردم در یک «امنیت درونزای مردم پایه» توانستند بر این بحران فائق آیند. چون با مطالعه دقیقی که اتحادیه کمونیست‌ها برای شروع و انتقال میدان مبارزه و قیام به جنگل‌های آمل کرد، مبارزه با آنان نیز مستلزم شناخت از جنگل و مانوس بودن با شرایط آن (آب و هوا، توپوگرافی، اقلیم و پوشش) می‌باشد.

6. عظمت حادثه ششم بهمن مردم آمل در کلام امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب و بزرگان

مردم آمل از سابقه مبارزاتی طولانی در دفاع از ارزش‌ها در طول تاریخ، از صدر اسلام و هجوم‌هایی که به ناحیه طبرستان گردید و تشکیل اولین حکومت شیعی به پایتختی آمل و وجود قوم مرعشیان تا سوابق پررنگ مبارزاتی علیه رژیم شاه و پشتیبانی از نهضت امام رحمت الله برخوردار بودند. باین‌حال، حرکت مردمی و جوشش مردم پایه حماسه ششم بهمن به قدری درخشان بود که در وصیت‌نامه الهی سیاسی امام راحل و سخن بزرگان جای گرفت.

۱. امام خمینی (ره): «تمام آمل و آرزوهایشان شمال بود و معتقد بودند که شمال صد درصد با جمهوری اسلامی مخالفند. از طرف دیگر تمام نیروهایشان را از همه‌جا جمع کردند و به شهر آمل وحشیانه و غافل‌گیرانه حمله کردند، به امید آن که مردم هم با آن‌ها هستند، پس آمل را می‌شود فتح کرد و از آن جا شهرهای دیگر، ولی متوجه شدید که چه شد. مردم چنان با آنان به مبارزه پرداختند و توی دهن آنان زدند که نتوانستند حتی چند ساعت مقاومت کنند... دیدید مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند، حال شما قم و تهران چگونه می‌خواهید بیاید.» (صحیفه امام خمینی رحمت الله، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۳). بیان عظمت حرکت مردم آمل برای حضرت امام چنان اهمیت داشت که در وصیت‌نامه الهی سیاسی خویش نیز اشاره داشتند: «شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می‌دهید، مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگری آنان جان می‌سپارند، شما که مدعی طرفداری از خلق هستید برای خلق محروم در هر کجا که

دستتان می‌رسیده چه جنایتی انجام دادید با اهالی شریف آمل چه جنایت‌ها که نکردید (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۱).

۲. مقام معظم رهبری در سخنانی، در خصوص وجه تسمیه عنوان هزارسنگر فرمودند: «این سنگرها، سنگرهای درون خیابان نیست. این سنگر دل‌هاست. هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است.» رهبر انقلاب درباره اهمیت زنده نگه‌داشتن این حماسه فرمودند: «قضیه ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیت‌نامه تاریخی خود هم مندرج کردند، یعنی فراموش نشود. حالا چرا فراموش نشود؟ برای اینکه حوادث تاریخی هم درس است، هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت در برهه‌های مختلف غالباً تکرار می‌شود... راه جمهوری اسلامی عوض نشده و دشمنان آن نیز عوض نشده‌اند. پس آنچه اتفاق افتاد برای امروز و آینده باید عبرت و درس باشد.» (پایگاه خبری جماران، ۱۳۹۹، کد خبر: ۱۴۹۳۳۸۴).

۳. مرحوم علامه حسن‌زاده آملی رحمت الله علیه، در پیام ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ خود به جهت تجلیل از حماسه مردم آمل فرمودند: «آفرین بر شمایی که با سلاح ایمان در مقابل آنان قیام کردید، چنانکه به آنان مهلت ندادید که در دارالمومنین آمل نفسی تازه کنند. عده‌ای از آنان را به کیفرشان رسانده و عده‌ای را دستگیر و خلع سلاح کردید، شما بی‌سلاح و آنان مسلح، شما در پناه خدای عزوجل و آنان در پناه جنگل.» (هراز نیوز، ۱۳۹۲، کد خبر: ۹۸۲۸۷).

۴. حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز در خصوص نقش مردم و حماسه ۶ بهمن اشاره داشتند: «پدران و مادران ما هزار سال است که یا علی یا حسین یا حسین گفتند در منطقه ما. ما با دیگران خیلی فرق داریم. شما قدم به قدم ببینید هر منطقه‌ای بالاخره یک امامزاده دارد، همان عرق تشیع و ولایت‌مداری در روز خطر به داد این مملکت رسید. جریان حمله جنگل گرچه شبیه برخی از نهضت‌هاست که بیش از ۱۰ الی ۱۲ ساعت طول نکشید؛ لکن از نظر زمینه، دراز دامن است (هراز نیوز، ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۲۹۰۹۸). آنچه به عنوان دال مشترک در همه این پیام‌ها موجود است کلمه مردم می‌باشد، که اتحادیه کمونیست‌های ایران به طور خاص و جریان چپگرا را به شکل عام در آمل دچار بن‌بست در راهبردها و تاکتیک‌ها بنابر تحلیل‌های غلط و نادیده گرفتن مردم به عنوان یکی از بنیان‌های اساسی نظام کرد.

۷. ابعاد و اثرات حضور مردم در واقعه ۶ بهمن آمل

حماسه غرورآفرین دفاع مردمی آمل در واقعه ششم بهمن به قدری عظیم بود که امام راحل رحمت الله علیه در وصیت‌نامه الهی سیاسی خویش از آن به عنوان یک موهبت و به نیکی یاد کردند. این حماسه اگرچه از سوی مردم ولایتمدار استان مازندران و به خصوص شهر علامه پرور و مردم ولایی آمل شکل گرفت، اما برگی زرین بر تارک انقلاب اسلامی و سند وفاداری ملت به آرمان‌های خویش در تاریخ ثبت گردید و اثراتی را به همراه داشت:

۱. خط بطلان کشیدن بر مدعای چپگرایان مبنی بر فاصله گرفتن توده مردم و مخالفت دهقان‌ها با انقلاب اسلامی و خط امام (حماسه آمل حرکتی عملی مبنی بر غلط بودن

انگاره‌ها و دستگاه محاسباتی الحادی کمونیست مبنی بر وجود و ایجاد فاصله امت با امام و انقلاب).

۲. برملا شدن بن مایه و واقعیت گروه‌های چپگرا به‌خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران و شکست تابوی شعار اعلامی‌شان مبنی بر آزادی خلق ستم کشیده و توده محروم، برای آحاد جامعه با اجرای برنامه‌های دیکته شده نفع‌رسان به غرب (آمریکا) به‌خصوص با طرفداری از قائله جدایی طلب (کردستان، سیستان و بلوچستان و غیره) و حمله به ایران یکپارچه واحد (شناسایی به‌عنوان کمونیست‌های آمریکایی).

۳. پایان زیست سیاسی و اجتماعی چپگرایان به‌خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران در فضای اجتماعی سیاسی داخل کشور بعد از ششم بهمن آمل.

۴. تبدیل شدن ششم بهمن آمل و حضور مردمی برای دفاع و مراقبت از حوزه امنیت عمومی اجتماعی به‌عنوان الگو و سمبولی جهت خنثی‌سازی توطئه‌ها (بهره‌گیری از ظرفیت مردمی در حل معضلات اجتماعی).

۵. روشن‌سازی ضمیرهای درگیر در فضای مسموم تبلیغ پروپاگاندای آموزه‌های چپ و رفع فضای فتنه‌گون عقیدتی و اندیشه (حماسه ششم بهمن آمل، حرکتی بصیرت‌افزا).

۶. شکست راهبرد جبهه سوم چپگرایان مارکسیست لنینیست و تمرکز قوای نظامی امنیتی در جبهه اول و دوم.

۷. انتقال پیام پشتیبانی مردمی از نظام نوپای انقلاب اسلامی بعد از کلان حوادث رخ داده سال ۱۳۶۰ و مخابره امید و نگاه به آینده‌های روشن به معاندین و معارضان (افزایش و تقویت مشروعیت ثانویه نظام و تقویت رابطه حکومت مردم).

۸. پیروزی قدرت معنویت و نفوذ ایمانی بر مبانی معرفتی اومانیستی و خداناباوری.

۹. به ظهور رسیدن اوج دفاع همه‌جانبه و عملی مردم از جمهوریت و اسلامیت نظام به‌عنوان الگوی بدیل حکمرانی و حمایت عینی در حکمرانی و امنیت داخلی و تحقق شعار نه شرقی و نه غربی در برابر دو بلوک جهانی (حماسه ششم بهمن مردم آمل چون طلوع خورشیدی در فضای غبارآلود، برای درهم چیدن اندیشه مدل حکمرانی کمونیستی و سکولاریستی در ایران).

۸. پیشنهادات

به علت هجوم بی‌وقفه معاندان و بدخواهان به انقلاب، مردم ایران زمین و ضربه به امنیت روانی و اجتماعی، شاهد تهاجم بی‌وقفه در غالب جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و شبیخون فرهنگی (بیانات مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir) که از سوی بلوک غرب برای استحاله و تحریف واقعیات و تجربیات درس‌آموز تاریخی در بینش و رفتار مردم، نخبگان و بعضاً مدیران و دولتمردان اتخاذ می‌شود و به‌مراتب خطر فزون‌تری از تهاجم نظامی دارد. همان چیزی که امام خمینی (ره) به‌درستی این میدان نبرد ادراکی شناختی را شناسایی کرد و انداز دادند: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم؛ آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است، استقلال و موجودیت هر جامعه‌ای از استقلال فرهنگ نشئت

می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی و تغذیه وابسته، استقلال و آزادی در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان‌پذیر باشد.» (صحیفه امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۲۵۲). فلذا بر اساس این تجارب ارزنده تاریخی و تلاش دشمن در جنگ هیبریدی و شناختی بر ذهن‌ها، افکار و دشتگاه محاسباتی جامعه، لازم است تا اقداماتی برای شناساندن وقایع مهم زرین تاریخی همچون ششم بهمن آمل که امام خمینی (ره) در وصیتنامه خویش از آن به عنوان صف‌آرایی مردم مومن آمل در برابر دشمنان قسم خورده خدا به نیکی یاد کردند، داشته باشیم. نیاز است اقداماتی را برای شناساندن نقش مردم در دفاع از امنیت، حاکمیت و اسلامیت را در بزرگ واقعه ۶ بهمن آمل، جهت فراموش نشدن در صفحات تاریخ انجام دهیم شامل:

۱- ساخت فیلم سینمایی و سریال‌های ارزنده و فاخر با فیلمنامه‌های جذاب، قوی و پر محتوا در باب معرفی و نمایش حضور مردم در امداد رسانی و دفاع از ارزش‌ها در واقعه ۶ بهمن آمل.

۲- ایجاد سازوکاری در مدارس جهت اجرای نمایش و تئاتر با موضوع معرفی و شناساندن حماسه ششم بهمن آمل با مشارکت نسل جوان و نوجوان به هم نسل‌های خویش (بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت نسل جوان برای شناساندن وقایع ششم بهمن آمل).

۳- ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و بررسی در باب چگونگی و ریشه‌یابی علل شکل‌گیری واقعه ششم بهمن آمل (بحث و گفت‌وگو آزاد).

۴- ساخت انیمیشن و پویانمایی با قابلیت‌ها و جذابیت‌های صحنه‌سازی و بصری برای جذب و نمایش به کودکان و نونهالان جهت آشنایی با روند تکامل تاریخی و وقایع مهم انقلاب.

۵- ساخت و تولید پادکست‌های کوتاه از خاطرات فرماندهان و رزمندگان حاضر در واقعه جنگ آمل و ارائه به جامعه هدف (بهره از ظرفیت فضای مجازی در نشر).

۶- ایجاد سازوکاری جهت آشنایی نسل جوان به خصوص دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰ در قالب گردش‌های مناسبی به نواحی درگیر در حادثه آمل و روایت راویان حاضر در حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ با هدف آشنایی و مدد گرفتن از اثرگذاری محیطی جهت نهادینه کردن و معرفی عظمت و اهمیت این حادثه.

۷- ساخت و پخش مستندهای تاریخی مرتبط با این واقعه با بهره‌گیری از هن و علم تولیدات تلویزیونی جهت جذاب نمودن و جذب مخاطب.

۸- تدریس ابعاد واقعه‌ی ششم بهمن آمل در نظام آموزش عالی و مقدماتی (حداقل به شکل بومی منطقه‌ای)، اما خارج از چارچوب کلاسیک تدریس و توجه ب تدریس گفتگو محور و تولید آثار پژوهشی جمعی.

۹- آگاه‌سازی مردم درباره تاثیر نرم‌ها و هنجارهای معرفتی، تاریخی و اجدادی در مدیریت بزنگاه‌های مهم تاریخی، امور امنیتی همچون ششم بهمن آمل و رفع معضلات با کمک مردم (پیشینه علوی شیعی و فرهنگ همبستگی دفاع مردمی و مدرسانی جمعی دیار علویان و آمل) و الگوسازی این مشارکت مردمی (با تاکید بر واقعه ششم بهمن

آمل) جهت رفع ناملايمات و مشكلات اجتماعي اقتصادي با تشكيل انديشكده‌ها و پژوهشكده‌هاي علمي (الگوسازي حضور مردم آمل در واقعه ششم بهمن جهت رفع مشكلات و معضلات ملي با هدف آگاه‌سازي مردم جهت حضور در ميدان، براي مشكلات امروزين جامعه به شكل جمعي).

نتيجه‌گيري

با پيروزي انقلاب شكوهمند اسلامي ايران به رهبري امام خميني رحمت الله عليه با پشتيباني آحاد جامعه مسلمان و مومن ايران در سال ۱۳۵۷، به عنوان مهم‌ترين رخداد قرن؛ گروه‌ها و احزاب كه ناشي از فضاي انقلابي حاكم و بستر باري كه فراهم گرديده بود شروع به سهم‌خواهي از نظام كردند. يكي از آن‌ها چپگرايان و به شكل ويژه اتحاديه كمونيست ايران با آموزه‌هاي ماركسيست لينينيست متأثر از مائويسم چين بود. آنان علي‌رغم اختلافات بنياني عقيدتي با خط امام، اما به علت اينكه برخي از شعارها و اهداف اعلامي امام با بعضي از اهدافشان هم‌پوشاني داشت، همچون مبارزه با امپرياليسم و تسخير لانه جاسوسي، همراهي كردند. ولي پس از عزل بني‌صدر به اميد سرنگوني نظام اسلامي، با اعلام به مبارزه مسلحانه منافقين و گروه رجوي همراهي كرده و پروژه «قيام فوري توده‌اي دهقاني» بنابر مشي و آموزه‌هاي كمونيستي مائو، كه مي‌دانگاه مبارزه را از روستا و مناطق غيرشهري با تجهيز توده دهقان مي‌دانستند آغاز كردند. از اين‌رو با شعارهاي اعلامي مقابله با انحراف و آگاه‌سازي مردم و دعوت به قيام فوري، با شناسايي شمال ايران به علت داشتن جنگل‌هاي انبوه، جمعيت وسيع دهقاني، نزديكي با شوروي، تهيه آسان آذوقه، استفاده از توپوگرافي دفاعي منطقه و رهايي از طرح‌هاي شناسايي و ضد چريكي نظام مانند: قانون مالك و مستاجر گشت ثارالله و غيره آمل را جهت استقرار انتخاب نمودند. كمونيست‌ها در محاسبات خود مبني بر همان جاذبه‌هاي كاذب آموزه‌هاي غير خدايي و اومانيستي الحادي، بنابر وعده الهي دچار خطا در دستگاه محاسباتي گرديدند كه آن، غفلت از بصيرت علوي شيعي و اسلامي مردم طبرستان و آمل بود كه «قيام فوري» دهقاني اتحاديه كمونيست‌ها عليه نظام به «واكنش فوري» مردم در تقابل با آنان به عنوان يك الگو و ستاره درخشان در سينه مردم ايران به خصوص مردم دلير و ولايتمدار آمل تبديل شد. با حضور مردم در كنار نيروهاي نظامي امنيتي نه تنها به اهداف خود مبني بر ايجاد جدائي و فاصله ميان امت و امام نرسيدند، بلكه پيوند ميان جامعه و دستگاه حكمراني در حماسه ششم بهمن آمل، پيام پيروزي قدرت معنويت بر خداناباوري و تحقق عملي شعار نه شرقي و نه غربي به عنوان الگوي بديل حكمراني مردمی اسلامی را به جهان مخابره كرد و باعث افزايش مشروعيت ثانويه نظام در كنار تقويت رابطه مردم و حكومت گرديد. همچنين حضور مردم آمل به زيست سياسي اجتماعي چپگرايان پايان داد و منجر به تمرکز قوا در جبهه اول و دوم شد. فلذا حماسه ششم بهمن مردم عزتمند آمل، همچون طلوع خورشيدی در فضای غبارآلود برای روشن‌سازی ضميرهاي دچار ترديد شده در تبليغات مسموم پروپاگانداي چپ گرديد. همچنين برملا شدن و شكست تابوي واهي چپگرايان مبني بر آزادي خلق از استثمار كه امام خميني (ره) به درستي آنان را كمونيست‌هاي آمريكايي خواند گرديد. جميع موارد در باب عظمت حادثه ششم بهمن آمل كه در پيام بزرگان و امامين انقلاب بر آن تاكيد داشتند، نمود آن بر حول و محور دال مركزي «مردم» و الگو گشتن اين حماسه برای تمام تاريخ مبني بر فائق آمدن بر مشكلات با حضور موثر مردم در تمام عرصه‌ها شد.

منابع

- قرآن کریم.

- امام خمینی رحمت الله، سید روح الله (۱۳۵۸). سخنرانی در جمع اعضای جهاد سازندگی قم (توطئه گروه‌های چپ)، صحیفه امام خمینی رحمت الله، جلد ۹، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- امام موسوی خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام رحمت الله، جلد ۱۲، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام رحمت الله، جلد ۱۶، نشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی رحمت الله، قابل دسترسی در پایگاه:

www.khamenei.ir/ndata/news/9447680315.pdf

- امام موسوی خامنه‌ای، سید علی (بی تا). مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در خصوص: ناتوی فرهنگی، تهاجم فرهنگی و شبیه خون فرهنگی، دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت:

http://Farsi.khamenei.ir/search_result?q=99101249116.

- اشمیت، ژوئل (۱۹۸۳). فرهنگ اساطیر یونان و رم، مترجم شهلا برادران خسروشاهی، سال ۱۳۹۸، انتشارات: فرهنگ معاصر.

- پورتال امام خمینی (ره) (۱۳۹۱). رئیس جمهوری با تنها یک رای؛ بازخوانی رای مجلس برای عدم کفایت سیاسی بنی صدر، تاریخ مطلب: ۱۳۹۱/۰۳/۳۱، کد خبر: ۳۰۴۵۶.

<http://www.imam-khomeini.ir/fa/k1/n2542>.

- پورغلامی، محمد (۱۳۹۳). روند شناسی ترورهای پس از انقلاب اسلامی؛ «ترور» برای مهار انقلاب، قابل دسترسی در سایت:

<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=26774>.

- پیام انقلاب (۱۳۶۰). مواردی که باعث عدم کفایت بنی صدر شد، ش ۲۰، ۳۶، تیر ۱۳۶۰، ۱۸.

- پایگاه خبری راه شلمچه (۱۳۹۸). بیانات امام خمینی (ره) در خصوص واقعه ششم بهمن بهمن آمل «دیدید مردم دلیر آمل چه به روزتان آوردند؟»، تارنمای خبر قابل دسترسی در پایگاه:

<http://www.raheshalamche.com>

- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). جنگ و جنگل؛ ستاد برگزاری یادواره شهدای جنگل شمال، آمل.

- جماران نیوز (۱۳۹۹). حماسه مردم فداکار آمل، یادداشتی از عزت الله کاظمی فتیده، کد خبر: ۱۴۹۳۳۸۴.

www.jamran.news/search?id=1493384.

- خانی، مهدی (۱۳۹۲). جبهه سوم: مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)، ناشر: معاونت روابط عمومی سپاه پاسداران (انقلاب اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره روابط عمومی و انتشارات).

- خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۳۹۹). بازخوانی نقش اتحادیه کمونیست‌های ایران در قائله آمل ۱۳۶۰، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷.

www.isna.ir/news/99110503447.

- دانشنامه جهان اسلام (بی تا). حسن بن زید بن محمد ملقب به دایی کبیر «بنیانگذار سلسله علویان طبرستان در سده سوم، از سادات حسنی» تارنمای خبر قابل دسترسی در پایگاه:

<http://rch.ac.ir/article/Details/12141>.

- رهگذر، سیمین (۱۳۹۰). شهر هزار سنگر آمل: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل، نشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- روزنامه اطلاعات (۱۳۶۱). ۹ بهمن، شماره: ۱۶۹۲۹.

- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴). مقاومت مردمی در حماسه مردم آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- صادقی سنگدهی، سید محمد؛ ملکی، عبدالله؛ گرزین متاعی، ناصر؛ یونسی کوتنایی، نورالله؛ اکبری شلدوره، فریدون و صحرایی رستمی، جواد (۱۳۹۳). چشم بیدار جنگل: چهارمین جشنواره خاطره نویسی دفاع مقدس با موضوع خاطرات رزمندگان مازندرانی در مقابله با عناصر ضد انقلاب جنگل (از پیروزی انقلاب تا آبان ۱۳۶۳)، به سفارش اداره کل حفظ آثار و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس مازندران، نشر: فاتحان، چاپ اول.

- کردی، علی (۱۳۸۶). اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- محمدی‌فر، مهدی (۱۳۷۶). پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اطلاعات استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین.

- موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (بی تا). حماسه ۶ بهمن و نقش حماسه سازان آمل، لینک:

www.parsi.ir/?id=q9icukzann.

- نوپرداز، پرنده (۱۳۸۳). حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست مائوئیست)، کلن آلمان.

- هاشمی، سید محمد و محمدعلی، علی اصغر (۱۳۹۰). شمشادهای رشید (یادنامه شهدای ششم بهمن آمل)، نشر: شاهد.

- هراز نیوز (۱۳۹۲). سخنان حضرت علامه حسن‌زاده آملی در رابطه با حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰، کد خبر ۹۸۲۸۷.

www.haraznews.ir/98287.

- هراز نیوز (۱۳۹۲). سخنان آیت الله جوادی آملی (حفظهم الله) در مورد حماسه ۶ بهمن، کد خبر: ۹۸۲۹۰.

www.haraznews.ir/98290.